

## بررسی علل و عوامل اطاله دادرسی در سیستم حقوقی ایران

### نجمه دارنجانی شیرازی

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

#### چکیده

در دادرسی های مدنی یکی از مهم ترین اقدامات شکلی که عدم توجه به آنها، به طور جدی موجب به خطر افتادن موقعیت متداعیین دعوا می گردد، مواعد است. موعد در دادرسی مدنی عبارت است از مدت زمانی که شخص در طول آن مجاز و یا مکلف به انجام دادن عملی خاص است، چه این عمل اعتراض به رأی و امثالهم باشد، چه تودیع هزینه دادرسی و کارشناسی و حتی اظهار نظر کارشناس. مواعد به دو نوع مواعد قضایی و قانونی تقسیم می گردند، موعد قانونی مدت زمانی است که در خود قانون مشخص شده است و موعد قضایی مدت زمانی است که حسب اختیارات قانونی توسط دادگاه به منظور انجام عملی تعیین می گردد. از جمله مواعد قانونی می توان به مهلت ده روزه برای رفع نقص دادخواست، مهلت ده روزه برای ارائه سندی که نسبت به آن ادعای جعل شده است، مهلت بیست روزه برای واخواهی، تجدیدنظرخواهی، فرجام خواهی و اعاده دادرسی اشاره کرد. طاله دادرسی به معنای به درازا کشیده شدن روند دادرسی در و طولانی شدن آن در مراجع قضایی به دلائل موجه و غیر موجه و در مراحل مختلف رسیدگی اعم از تحقیق، دادرسی و اجرا می باشد. هر چند در برخی موارد اطاله به تحقق عدالت و دقت در رسیدگی کمک می کند اما در بیشتر موارد صدور حکمی هر چند عادلانه پس از مدت نسبتاً طولانی مطلوب طرفین دعوا نخواهد بود و عدم رضایت ایشان را در پی خواهد داشت. نتایج این تحقیق مشخص کرده که: به موجب ماده ۴۵۰ قانون آیین دادرسی مدنی محکوم علیه یا وکیل یا نماینده قانونی حق اطاله دادرسی را دارند. بر طبق ماده ۳۸۶ قانون جدید آیین دادرسی مدنی درخواست فرجام، اجرای حکم را تا زمانی که حکم نقض نشده است به تأخیر نمی اندازد برای مقابله با این معضل و کاهش اطاله ناشی از عملکرد قضات نیز می توان راهکارهایی چون توسعه کمی تعداد قضات، توسعه کیفی و آموزش روزآمد قضات، به کارگیری نیروی دفتری متخصص، احیای پلیس قضایی، بهبود نحوه تعامل قضات و وکلا، توجه به ارتقای معیشت قضات و اصلاح قوانین و مقررات موحد اطاله را در دستور کار قرار داد.

**واژه های کلیدی:** مواعد قانونی، اطاله دادرسی، درازا کشیده شدن، طولانی شدن

## مقدمه

توسعه قضایی آرمانی اجتماعی است. که در ساختار قضایی کشور دنبال می شود. و مقامات قضایی همواره به دنبال رفع موانع تحقق این آرمان هستند. یکی از مهم ترین مشکلاتی که بر سر راه آنان قرار دارد، اطلاع دادرسی است. دادرسی با توجه به کتاب ترمینولوژی حقوق دکتر لنگرودی به معنای اعم رشته ای از علم حقوق است که هدف آن تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجراء تصمیمات دادگاهها میباشد که در فقه به آن علم القضاء گویند. و به معنای خاص مجموعه عملیاتی است که به مقصود پیدا کردن یک راه حل قضایی به کار می رود و اطلاع دادرسی به معنای طولانی شدن جریان رسیدگی به پرونده ها در مراجع قضایی است. در حقیقت به مانند آینه ای کاستی های ریشه دار در پیکره ی نظام قضایی را منعکس می کند. این موضوع به خاطر تضییع حقوق عمومی باعث نا رضایتی عمومی، کاهش اعتماد به دستگاه قضایی، کاهش عدالت و امنیت در سطح کشور، تراکم پرونده ها در مراجع قضایی، کاهش اقتدار قوه قضاییه و مهم تر از همه، به خاطر ایجاد فاصله بین کیفر و عمل مجرمانه اثر باز دارندگی مجازات را کاهش می دهد. بعد از انقلاب اقدام هایی برای دستیابی به یک سیستم نوین که متفاوت با سیستم دادرسی گذشته، پاسخگوی نیاز های جامعه و متناسب با شریعت اسلام باشد احساس می شد. ولی این هدف تحقق نیافت و اطلاع دادرسی بدتر از گذشته ادامه یافت. سرانجام بالا گرفتن انتقاد های حقوقدانان از نحوه ی دادرسی در سیستم جدید، مسئولان قوه قضاییه را بر آن داشت که سیستم مذکور را اصلاح کنند.

## بیان مساله و اهمیت آن

غرض از اطلاع، مدت زمان نامتعارفی است که جهت یک پرونده قضایی، وقت قضات و کارمندان دادرسی یا دادگاه خارج از حد معمول مصروف آن می گردد، که بعضاً این طولانی شدن روش رسیدگی به پرونده ها معلول عواملی می باشد که در تشکیلات قضایی و یا خارج از آن شناخته شده و یا ناشناخته و نامرئی است. با عنایت به گسترش روابط اجتماعی افراد جامعه و ناهنجاریهای موجود در جامعه بطور کلی و ناآگاهی مراجعین به تشکیلات قضایی، از نحوه و اقدامات قضایی و پیچیدگی و گستردگی اقدامات و عملیات قضایی و وابستگی برخی از اقدامات قضایی به دستگاه های اجرایی اعم از دولتی و غیر دولتی، عوامل متعددی در اطلاع دادرسی نقش دارند البته باید به این نکته اذعان نمود مواردی که در اطلاع دادرسی نقش دارند در هر حوزه قضایی، شکل و شمایل خاص خودش را دارد و جهت شناسایی کلیه موارد اطلاع دادرسی باید هر حوزه قضایی، بطور مجزا مورد مطالعه ی آسیب شناسی قرار گیرد. (پارسا، ۱۳۹۱: ۲۸)

و اگر روستا حوزه های قضایی در سطح بخش و شهرستان و استان به حوزه ی قضایی خود از دید چشمان یک منتقد نگاه کنند، یقیناً موارد مبتلی به را تشخیص خواهند داد، و جهت رفع موارد اطلاع دادرسی، به جای استفاده از روش مدیریت بازآفرینی میتوانند از روش مدیریت آفرینشی، و دخیل نمودن مدیریت دانایی و استفاده بهینه از کلیه پتانسیلهای موجود انسانی، در زیر مجموعه خود، کمال بهره برداری را نمایند. چرا که در مدیریت بازآفرینی نمی توان مسائل و مشکلات مستحدثه روزمره را حل و فصل کرد و بر این اساس اصلاً مشکلی نباید حادث گردد ولی میتوان به مدیریت آفرینشی و طریقه های آفرینشی جهت حل و فصل مسائل روزمره مستحدثه متوسل شد.

نهایتاً بطور کلی میتوان موضوع اطلاع دادرسی را به دو دسته عمده تقسیم نمود. که عبارتند از اطلاع دادرسی طبیعی و غیرطبیعی و در مجموع اطلاع دادرسی در سه گروه مجزا قابل مطالعه می باشد. ۱- اطلاع دادرسی ناشی از قانون (طبیعی) ۲- اطلاع دادرسی ناشی از عوامل درون تشکیلاتی قوه قضاییه ۳- اطلاع دادرسی ناشی از عوامل برون سازمانی قوه قضاییه ( موارد اخیر غیر طبیعی می باشند) (چنارستان علیا، ۱۳۹۶: ۶۵)

حقوقدانان معتقدند که هدف از وضع قانون تامین آسایش و برقراری نظم عمومی و اجرای عدالت است. به همین دلیل اعتقاد راسخ دارند که قوانین، باید بگونه ای وضع شوند که در عین حفظ نظم و آرامش، عادلانه بوده و ملت را بسوی تمدنی عالی تر و اقتصادی پویا و مستحکم رهنمون کند و قوه قضاییه نیز وظیفه خطیر تظلم خواهی را بطور کلی به عهده دارد و مدیریت قضایی را باید بگونه ای طراحی کند که همه محاکم قضایی از سه اصل سهولت دسترسی و سرعت و دقت در رسیدگی های قضایی برخوردار باشند.

### اهداف تحقیق

تحقیق حاضر مواعد قانونی و تاثیر آن در اطلاع دادرسی و همچنین علل اطلاع دادرسی در رسیدگی مراجع قضایی که از برخی مواد قانون آیین دادرسی مدنی نشات می گیرد را بررسی و در صدد شناسایی راهکارهای رفع این علتها می باشد توسعه قضایی آرمانی اجتماعی است که در ساختار قضایی کشور دنبال می شود مقامات قضایی همواره به دنبال رفع موانع تحقیق این آرمان هستند یکی از مشکلاتی که بر سر راه آنها قرار دارد اطلاع دادرسی است دادرسی با توجه به کتاب ترمینولوژی حقوق دکتر لنگرودی به معنای اعم رشته ای از علم حقوق است که هدف آن تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجراء تصمیمات دادگاهها میباشد که در فقه به آن علم القضاء گویند. به معنای خاص مجموعه عملیاتی است که به مقصود پیدا کردن یک راه حل قضایی به کار می رود و اطلاع دادرسی به معنای طولانی شدن جریان رسیدگی به پرونده ها در مراجع قضایی است. در حقیقت به مانند آینه ای کاستی های ریشه دار در پیکره ی نظام قضایی را منعکس می کند.

این موضوع به خاطر تضييع حقوق عمومی باعث نا رضایتی عمومی، کاهش اعتماد به دستگاه قضایی، کاهش عدالت و امنیت در سطح کشور، تراکم پرونده ها در مراجع قضایی، کاهش اقتدار قوه قضاییه و مهم تر از همه، به خاطر ایجاد فاصله بین کیفر و عمل مجرمانه اثر باز دارندگی مجازات را کاهش می دهد. بعد از انقلاب اقدام هایی برای دستیابی به یک سیستم نوین که متفاوت با سیستم دادرسی گذشته، پاسخگوی نیاز های جامعه و متناسب با شریعت اسلام باشد احساس می شد. ولی این هدف تحقق نیافت و اطلاع دادرسی بدتر از گذشته ادامه یافت. سرانجام بالا گرفتن انتقاد های حقوقدانان از نحوه ی دادرسی در سیستم جدید، مسئولان قوه قضاییه را بر آن داشت که سیستم مذکور را اصلاح کنند. (رحیمی، ۱۳۹۷: ۸۵)

### فرضیات تحقیق

- ۱) به نظر می رسد که هدف آنان از تنظیم مواعد در محاکم دادرسی می تواند این باشد که اصحاب دعوی هم از جهت اقامه دعوی و هم اعتراض به رأی صادره بتوانند در یک مهلت و موعد متناسب، فرصت قانونی جهت آمادگی در جلسه و ارائه اسناد را داشته باشند
- ۲) در قانون آیین دادرسی مدنی دو نوع موعد قضائی و قانونی ذکر شده که احتمالاً روز ابلاغ و اقدام در هر دو موعد جهت محاسبه در نظر گرفته نمی شود و در زمان تعطیلی روز بعد آن جهت اقدام به حساب می آید.
- ۳) به موجب ماده ۴۵۰ قانون آیین دادرسی مدنی محکوم علیه یا وکیل یا نماینده قانونی حق اطلاع دادرسی را دارند.
- ۴) بر طبق ماده ۳۰۶ نیز عواملی مثل فوت یکی از والدین یا همسر یا اولاد و حوادث قهریه از قبیل سیل، زلزله، حریق می تواند دلایل موجهی بر اطلاع دادرسی باشد.

## روش تحقیق

روش تحقیق نگارنده در این پایان نامه از نوع توصیفی-تحلیلی است که در ضمن توصیف مسائل مربوط به موضوع مورد تحلیل قرار می گیرد. روش اصلی اطلاعات کتب مقالات و سایتهای اینترنتی می باشد. روش تحقیق در پژوهش حاضر مانند اغلب پژوهشهای علوم انسانی، کتابخانه ای است. بنابراین در این ارتباط، کتب و مقالات داخلی و خارجی، سایتهای اینترنتی و تمامی اسنادی که مرتبط با موضوع بوده و ما را در اهداف مورد نظر یاری کنند مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

## سوابق تحقیق

مردی (۱۳۹۷) در مقاله خود به اطلاع دادرسی در رسیدگی به دعاوی حقوقی با نگرشی برعلل موجود در قانون آیین دادرسی مدنی و راه های پیشگیری از آن پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که علل اطاله دادرسی را در یک تقسیم بندی کلی میتوان به مشکلات ناشی از قوانین و مشکلات ناشی از عوامل نیروی انسانی در امور دادرسی دستگاه قضایی کشور تقسیم کرد، برای حل این مشکلات باید ابتدا قانون کشور ترمیم شود و کاستی و نواقص قانون از بین برود که این مشکل حل نخواهد شد مگر با سپردن امر خطیر قانونگذاری به دست افرادی که به حقوق تسلط کامل دارند و استفاده قوه مقننه از نظرات اساتید گرانقدر حقوق که واقعا در کشور ما استفاده کمی از نظرات چنین اساتیدی می شود، در مرحله بعد باید عوامل نیروی انسانی که در امر دادرسی دخالت دارند ترمیم شود برای این منظور باید کارهای بنیادی صورت گیرد که استفاده از قضات عالم و باسواد و گسترش فرهنگ استفاده از وکیل در دعاوی را از مهمترین این کارها میتوان نام برد

رجب گلدوست جویباری رحمان پیوست، (۱۳۹۰)، نقش قضات در اطاله، مجله دیدگاه های حقوق قضایی. در این مقاله اینگونه بیان گردیده شده است که تحقق عدالت از مهمترین اهداف یک حکومت و دستگاه قضایی تلقی می گردد. یکی از ویژگی های هر دستگاه قضایی جهت تحقق عدالت، دادرسی در اسرع وقت می باشد. در یک دادرسی ایده آل چنان که دقت و کیفیت در آن مهم است، سرعت در تحقق آن نیز اهمیت بسیاری دارد. به طوری که گاه تاخیر نامتعارف در حل موجب اختلافات و صدور حکم آرای اعتباری صادره و هم چنین وجود یاس امیدی و نارضایتی مراجعین به دستگاه قضایی می گردد. در مقابل، در برخی مواقع با توجه به از این جهت، که طولانی شدن فرایند دادرسی لازمه کشف حقیقت و دلایل و اتخاذ تصمیم صحیح و منطبق با اصول و قواعد حقوقی یک دادرسی عادلانه است. باید گفت که هر تطویل در دادرسی را نمی توان موجب تضییع حق و هر تسریع در دادرسی را موجب احقاق حق دانست.

دادگر و کریمی، (۱۳۹۵) بررسی اطلاع دادرسی در نظام حقوق ایران، در مقاله خود اینگونه می نویسند که اطلاع دادرسی یکی از مباحث بسیار مهم و از معضلات اساسی نظام قضایی ماست. طولانی شدن فرآیند دادرسی که موجب فشار کاری قضات و نظام قضایی می شود نتیجه ای جز کاهش کیفیت آرا، افزایش اشتباهات قضایی و نارضایتی مردم و مراجعان به نظام قضایی را به دنبال ندارد و اصلی ترین رسالت دستگاه قضایی رسیدگی به پرونده ها در راستای احقاق حق و اجرای عدالت است مهمترین موضوعی که امروزه از دید مراجعه کنندگان به دادگسری ها در نظام حقوقی ایران به چشم می خورد اطلاع دادرسی است که نیازمند برنامه ریزی و توجه جدی، جهت حل و برطرف کردن آن می باشد طولانی شدن وقت رسیدگی و تاخیر در صدور حکم قطعی احقاق حق را به تاخیر می اندازد که این مهم کمتر از بی عدالتی نیست مضافاً این که طولانی شدن فرآیند رسیدگی تاثیر منفی در صدور احکام دارد به گونه ای که عیناً ثابت شده است طولانی شدن بی مورد محاکمات و افزایش حجم پرونده

موجب سردرگمی قضات می شود از این رو می توان گفت سرعت در رسیدگی و صدور رای فی نفسه امر مطلوبی است علی ایحال در مقاله حاضر به بررسی علل اطاله دادرسی در نظام حقوقی ایران و الهنایه به ارائه نتایج و راهکارهای پرداخته ایم. امینی (۱۳۹۸) علل اطاله دادرسی و راهکارهای رفع آن، روزنامه اعتماد، امینی در مقاله خود میگوید که: اگر یکی از اهداف دادرسی «احقاق حق» باشد هدف دیگر آن «حل و فصل» و آن هم در زمان معقول است زیرا احقاق حق خارج از زمان متعارف نمی تواند اجرای درست و کامل عدالت را در پی داشته باشد. اساساً شیوه حل و فصل یکی از مبانی اعتماد مردم به دستگاه قضایی و موجب پرهیز از توسل به روش های غیرقانونی و بی اعتمادی است. در واقع، دسترسی به موقع به عدالت یکی از موازین رعایت حقوق شهروندی و عدالت محور بودن حاکمیت ها نیز بوده که به درستی مورد توجه قوه قضاییه نیز قرار گرفته است. در این یادداشت کوتاه به برخی از علل اطاله دادرسی در رسیدگی های قضایی به ویژه در دعاوی حقوقی و راه های رفع آن پرداخته شده است.

صفایی (۱۳۹۸) اطاله دادرسی در امور مدنی و راهکارهای مقابله با آن، گروه علوم انسانی فرهنگستان، صفایی در مورد اطاله دادرسی می گوید، اطاله دادرسی یکی از موانع بزرگ دادخواهی و عدالت گستری در سطح جامعه است که متأسفانه نظام قضایی ما به شدت گرفتار آن شده است. حجم بالای پرونده ها نه تنها موجب کندی روند رسیدگی شده است، بلکه سبب شده است که بسیاری از افراد از احقاق حق خود از طریق مراجع قضایی ناامید باشند و احساس کنند هزینه صرف نظر کردن از حقوق حقه خود کمتر از هزینه مراجعه به دادگستری است. همین امر امنیت حقوقی افراد را به خطر انداخته و موجب گشودن راه برای سوء استفاده سودجویان شده است. همچنین حجم بالای کار موجب شده قضات و کارمندان آن چنان که شایسته است نتوانند پرونده ها را با صرف وقت و دقت نظر کافی مورد رسیدگی قرار دهند و نیز نظارت بر کار قضات با چالش های جدی مواجه است. تأخیر در احقاق حق خود نوعی بی عدالتی و مغایر اصول دادرسی عادلانه است که در اسناد بین المللی هم بر آن تأکید شده است. وانگهی تجربه نشان می دهد که اطاله دادرسی بر صدور صحیح آراء نیز تأثیرگذار بوده و چنین آرائی با اشکالات عدیده همراه هستند.

### اطاله دادرسی و راهکارهای مقابله با آن

اطاله دادرسی یکی از موانع بزرگ دادخواهی و عدالت گستری در سطح جامعه است که متأسفانه نظام قضایی ما به شدت گرفتار آن شده است. حجم بالای پرونده ها نه تنها موجب کندی روند رسیدگی شده است، بلکه سبب شده است که بسیاری از افراد از احقاق حق خود از طریق مراجع قضایی ناامید باشند و احساس کنند هزینه صرف نظر کردن از حقوق حقه خود کمتر از هزینه مراجعه به دادگستری است. همین امر امنیت حقوقی افراد را به خطر انداخته و موجب گشودن راه برای سوء استفاده سودجویان شده است. همچنین حجم بالای کار موجب شده قضات و کارمندان آن چنان که شایسته است نتوانند پرونده ها را با صرف وقت و دقت نظر کافی مورد رسیدگی قرار دهند و نیز نظارت بر کار قضات با چالش های جدی مواجه است. تأخیر در احقاق حق خود نوعی بی عدالتی و مغایر اصول دادرسی عادلانه است که در اسناد بین المللی هم بر آن تأکید شده است. وانگهی تجربه نشان می دهد که اطاله دادرسی بر صدور صحیح آراء نیز تأثیرگذار بوده و چنین آرائی با اشکالات عدیده همراه هستند.

به منظور بررسی ژرف علل اطاله دادرسی در امور مدنی در نظام حقوقی ایران این پژوهش در سه فصل ارائه شده است: در فصل یکم مفهوم اطاله دادرسی و مفاهیم مشابه بررسی گردیده است. فصل دوم به بحث عوامل اطاله دادرسی اختصاص دارد و فصل سوم به راهکارهای مقابله با اطاله دادرسی پرداخته است.

عواملی که ممکن است در اطلاع دادرسی سهیم باشند بسیار است. برای مثال علاوه بر مسائل حقوقی صرف و به ویژه اشکالات و کاستی های آئین دادرسی و سازمان قضایی، وضع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سطح سواد و معلومات نیز هر کدام ممکن است بر اطلاع دادرسی تأثیرگذار باشند. این عوامل را می توان به عوامل حقوقی و غیرحقوقی تقسیم بندی کرد. نقش قانون و قانونگذار در تسریع دادرسی انکارناپذیر است. از یک سو درک صحیح تحولات اجتماعی و نیازهای جامعه و متعاقباً وضع قوانین مناسب تا اندازه قابل توجهی اختلافات و دعاوی را کاهش می دهد و از سوی دیگر در کنار کاستن از میزان دعاوی، وضع قوانینی که موجب می شود در صورت بروز اختلاف، دعوا در کوتاه ترین زمان ممکن مختومه شود می تواند تأثیر بسزایی در کاهش اطلاع دادرسی ایفا کند.

برخی از عوامل اطلاع دادرسی مربوط به اشخاص است. نیروی انسانی مهمترین عامل در امر دادرسی است. موفقیت و استفاده بهینه از سایر عوامل نیز به کیفیت کار نیروی انسانی بستگی دارد زیرا با وجود تعداد کافی قاضی و کارمند و کارشناس کارآمد و باتجربه و عالم تا حدود زیادی نواقص و مشکلات با تدابیر و شمس قضایی و کارشناسی و کردانی و ابتکارات آنان رفع می شود. اما متأسفانه از بعد نیروی انسانی دستگاه قضایی ما مشکلاتی دارد؛ از جمله، اشتغال عده کثیری قاضی کم تجربه و بدانش قضایی ضعیف و بدون انگیزه- البته در کنار گروهی از قضات صاحب نظر و باتجربه- و تعدادی کارمند ناکارآمد و نبود کارشناسان رسمی و متخصص در برخی از رشته های مورد نیاز و کمبود پزشکان قانونی متبحر و امکانات آزمایشگاهی و عدم استفاده کافی از وجود وکلای کاردان و نیز وجود خیل عظیم ارباب رجوع ناآشنا با قوانین و مقررات منجر به نتایج نامطلوب و از جمله اطلاع دادرسی گشته است.

اشخاصی که در دادرسی دخالت دارند با عملکرد نادرست خود می توانند موجب اطلاع دادرسی شوند. علاوه بر قضات یک دسته از این اشخاص کارمندان دادگستری هستند که به علت عملکرد ضعیف دستگاه قضایی در گزینش و آموزش و نظارت، نقش زیادی در اطلاع دادرسی دارند. اشخاص وابسته به دادگستری مانند کارشناسان نیز می توانند عامل اطلاع دادرسی محسوب شوند. علاوه بر اینها، اشخاص دیگری همچون اصحاب دعوا و شهود که علی الاصول هیچ وابستگی به دادگستری ندارند نیز به گونه ای در اطلاع دادرسی نقش دارند. اشخاص می توانند هم با افزودن بر تراکم دعاوی و هم با کند کردن فرآیند دادرسی موجب اطلاع دادرسی شوند. برخی از وکلای دادگستری و مشاوران حقوقی نیز در این امر مؤثرند. در این تحقیق نقش این اشخاص مورد بررسی دقیق و عمیق قرار گرفته است.

در فصل سوم این تحقیق پس از بیان مهم ترین علل اطلاع دادرسی در محاکم ایران، به بیان راهکارها در جهت کاهش اطلاع دادرسی پرداخته شده است.

با مذاقه در عملکرد دستگاه قضایی و اقدامات انجام شده و با عنایت به اطلاع بیش از حد دادرسی به ویژه در محاکم حقوقی درمی یابیم که مهم ترین عامل اطلاع دادرسی در کشور ما حجم بالای دعاوی حقوقی است.

به عبارت ساده تر دستگاه قضایی ما گنجایش چنین حجم عظیمی از پرونده های حقوقی را ندارد.

برای حل مشکل اطلاع دادرسی در این خصوص دو کار می توان انجام داد: به عنوان راهکار کوتاه مدت باید با تصحیح عملکرد و تقویت دادگستری توان و گنجایش دستگاه قضایی را افزایش داد و به عنوان هدف بلندمدت باید در جهت کاهش پرونده های ورودی به نظام قضایی کشور کوشید و این کار جز با همکاری کلیه قوا و اصلاح وضع حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور میسر نخواهد شد.

اهم اقداماتی را که باید در این زمینه انجام گیرد می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

اصلاح قانون آئین دادرسی مدنی در کاهش اطلاع دادرسی تأثیر قابل ملاحظه ای دارد. با توجه به ایراداتی که در حال حاضر بر قانون آئین دادرسی در ارتباط با فرایند دادرسی مانند اقامه دعوی، رسیدگی بدوی، تجدیدنظر، فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی، به ویژه اعاده دادرسی به دستور رئیس محترم قوه قضائیه پس از طی مراحل متعدد دادرسی و نهایه شدن حکم و همچنین مقررات ابلاغ وارد است، ضرورت اصلاح این قانون در جهت کاهش اطلاع دادرسی به شدت احساس می‌شود. اهم مواردی از قانون آئین دادرسی مدنی که نیاز به اصلاح دارند در فصل‌های دوم و سوم تحقیق به تفصیل ذکر شده است.

علاوه بر قانون آئین دادرسی مدنی که نیاز به اصلاح دارد، اصلاح قوانین دیگر نیز باید در مقابله با اطلاع دادرسی مورد توجه واقع شود یکی از مهم‌ترین قوانینی که سبب ایجاد دعاوی بسیاری در دستگاه قضایی به ویژه در مورد نقش و اعتبار سند عادی در معاملات غیر منقول شده است، قانون ثبت اسناد می‌باشد. اختلافات ثبتی و ملکی بخش قابل توجهی از دعاوی حقوقی را تشکیل می‌دهد که با اصلاح قانون ثبت و عدم استماع دعاوی غیر منقول بدون سند رسمی و اجرای کامل طرح کاداستر می‌توان تا حد زیادی از طرح این گونه دعاوی جلوگیری نمود. اصلاح مقررات وکالت و کارشناسی و الزامی کردن مداخله وکیل در دعاوی مدنی - البته با تسهیل استفاده افراد بی بضاعت از وکیل معاضدتی - و تعیین حد اکثر زمان لازم، برای طی فرایند دادرسی و مختومه شدن پرونده، نیز می‌تواند در مقابله با اطلاع دادرسی مؤثر باشد.

تخصصی کردن محاکم یکی از نیازهایی است که در نظام حقوقی ما احساس می‌شود. این مهم نه تنها نقش بسزایی در کاهش اطلاع دادرسی دارد بلکه منجر به دادرسی عادلانه تر و صدور آراء صحیح تر می‌شود.

تقویت و گسترش روش‌های مسالمت آمیز حل اختلاف به ویژه نهاد داوری می‌تواند نقش بسزایی در کاهش ورودی پرونده‌های دادگستری ایفاء کند. ولی مقررات قانون آئین دادرسی مدنی در این زمینه ناقص است و متأسفانه برخی مقررات داوری خود موجب اختلاف بین افراد شده و در بسیاری از موارد که شرط داوری در قرارداد پیش بینی شده است، باز مراجعه به دادگستری به کرات اتفاق می‌افتد و قاضی که در موارد خاصی اختیار ابطال رأی داور را دارد چه بسا با ورود در ماهیت دعوی، هنگامی که با دادخواست ابطال رأی مواجه می‌شود موجب اطلاع دادرسی می‌گردد. از این رو شایسته است قانونگذار با اصلاح قانون یا رویه قضایی با تفسیرهای منطقی و شجاعانه نهاد داوری را تثبیت و تقویت نماید و فرصتی را فراهم آورد تا افراد با اطمینان بیشتری اختلافات خود را به داوری ارجاع دهند و از مزایای داوری که از مهمترین آنها سرعت در رسیدگی است برخوردار شوند. کوشش در راه صلح و سازش و میانجی‌گری به وسیله وکیل یا قاضی یا داور - که در مواردی می‌تواند الزامی باشد - نیز می‌تواند نقش مهمی در مقابله با اطلاع دادرسی داشته باشد.

نظارت بیشتر بر نیروی انسانی و تلاش برای جذب نیروی ذیصلاح و با تقوی برای کارهای قضایی بی‌شک می‌تواند تا حد زیادی اشتباهات قضایی و اطلاع دادرسی را کاهش دهد. نقش کارکنان دفتری نیز در اطلاع دادرسی دارای اهمیت است. لذا توجه ویژه به جذب نیروی انسانی شایسته و نظارت بر عملکرد کارکنان و قضات تأثیر بسزایی در کاهش اطلاع دادرسی خواهد داشت.

تنقیح قوانین و تنظیم و انتشار آراء قضایی نیز در مقابله با اطلاع دادرسی تأثیر بسزایی دارد: یکی از علل اصلی اطلاع دادرسی مربوط به مرحله وضع قوانین است. در برخی موارد آن قدر انباشت و تورم قوانین وجود دارد که اشراف به تمامی آنها به سادگی امکان پذیر نیست و وقت زیادی را از قاضی برای پیدا کردن ناسخ و منسوخ‌های قانونی و یافتن حکم مناسب هر دعوا می‌گیرد. همین مشکل در مواردی نیز بروز می‌کند که سابقه آراء قضات در مورد قضایای مطروحه در دسترس نیست. از این رو تنظیم و تنقیح و گردآوری علمی قوانین در مجموعه‌های قوانین جامع مربوط به رشته‌های مختلف حقوق به نحوی که موارد مطلق و

مقید، عام و خاص و ناسخ و منسوخ به روشنی در آنها مشخص باشد ضروری است. همچنین تدوین علمی رویه قضایی ضمن ایجاد امنیت حقوقی قاضی را با استفاده از تجارب سایر قضات در یافتن حکم مناسب بسیار کمک کرده و نتیجتاً تسریع در رسیدگی را به همراه می‌آورد.

در خاتمه یادآور می‌شود که تحقیق انجام شده تنها مربوط به اطلاع دادرسی در امور مدنی بوده و اطلاع دادرسی در امور کیفری که مقررات دیگری بر آن حاکم است، به تحقیق دیگری نیاز دارد.

### اطاله دادرسی یعنی چه؟

از جمله مشکلاتی که سیستم قضایی کشور ما با آن مواجه است، اطلاع دادرسی و مشکلات مربوط به آن می‌باشد. چنانچه خواهیم سابقه این مشکلات را تحت بررسی قرار دهیم، می‌بایست به همان زمانی اشاره کنیم که سیستم قضایی و دادگاه ایران تاسیس گردید. این مشکل علاوه بر آنکه طرفین یک دعوی یا شکایت را رنج می‌داد و کلافه می‌کرد، موجب آزار خود کارمندان و قضات دستگاه هم می‌گردید. همچنین اطلاع دادرسی ممکن است موجب گردد تا خدمات قضایی با کیفیتی ایده‌آل و مناسب صورت نگیرد و حتی در پاره‌ای از موارد منجر به غرض‌ورزی نیز گردد.

یکی از عللی که موجب اطلاع دادرسی گردیده است و می‌توان گفت که اصلی‌ترین عامل به وجود آمدن آن نیز می‌باشد، ازدیاد و ازدحام پرونده‌های مطرح شده در مراجع قضایی است. مشکل اطلاع دادرسی که در دستگاه قضایی ایران ایجاد گردیده است می‌بایست از جانب رئیس قوه قضاییه برطرف گردد و به منظور رفع آن به درستی چاره اندیشی شود. از دیگر عواملی که امکان دارد باعث اطلاع دادرسی در خصوص پرونده گردد، سرخود رفتار کردن اصحاب دعوی و عدم اختیار کردن یک وکیل یا مشورت با مشاور حقوقی می‌باشد.

اشخاص به این دلیل که آشنایی چندانی با مقررات و قواعد حقوقی ندارند امکان دارد با یک عمل اشتباه، راه دستیابی به حق خود را یا بسیار طولانی و یا ناممکن سازند.

عوامل بسیاری وجود دارند که سبب می‌گردند رسیدگی به یک پرونده حقوقی با اطلاع دادرسی روبه‌رو شود. با این حال شناخت این علل کافی نبوده و بایستی به دنبال راه حلی بود تا بتوان این عوامل را از بین برد و یا تاثیر آنها در طولانی شدن روند دادرسی را کاهش داد.

لیکن عواملی که موجب اطلاع دادرسی می‌گردد عبارتند از:

- عدم آشنایی افراد با مسائل دادرسی و مقررات قضایی.
- افزایش مراحل دادرسی.
- طرح شکایات غلط و بیهوده.
- عدم بهره‌گیری از وکیل و مشاور حقوقی و مشورت با آنها.
- عدم استفاده از خدمات الکترونیک و آنلاین و لوازم پیشرفته و تکنولوژیک در قسمت‌های مربوط به دادرسی و قضاوت.
- ایجاد اشکالات و اشتباهات در خصوص روند ابلاغ اخطاریه‌ها و دادنامه‌ها.
- تعلل و تاخیر ادارات و سازمان‌های دولتی در جواب‌دهی به برخی استعلامات.
- وجود اشتباهات و بعضاً تخلفات برخی از ضابطین دادگستری در اموری که به ایشان سپرده شده.



علل اطلاع‌ی دادرسی مشکلات ناشی از قوانین

الف) مشکلات ناشی از نحوه‌ی قانونگذاری

۱. عدم رعایت دقیق فنون قانونگذاری: که شامل استفاده نکردن از جملات اخباری، تکرار جملات، استفاده از کلمات هیجانی، استفاده از اصطلاحات خارج از حدود علمی، عدم استفاده از اصول و زبان حقوقی در تدوین قانون و ... .

۲. عدم توجه به تدوین و گردآوری علمی قوانین: کثرت متن‌های قانونی به حدی رسیده که اصل (جهل به قانون رافع مسئولیت نیست) زیر سؤال می‌رود؟ به طوری که امروزه حتی اصحاب قانون در تسلط به متن قانون دچار مشکل می‌شوند تا چه رسد به مردم عادی. ولی همه واقفیم در مواردی عدالت فدای حفظ نظم در جامعه می‌شود.

۳. تعدد مراجع تقنینی: با وجود این که طبق قانون فقط قوه مقننه حق وضع قانون را دارند. گاهی به بعضی مراجع و سازمانها اختیار قانونگذاری داده می‌شود.

ب) مشکلات ناشی از قوانین ما هوی کثرت عناوین مجرمانه در قوانین جزایی و حقوقی باعث عدم ثبات این قوانین، از بین بردن ابهت قانون در ذهن مردم و ایجاد مشکلات فراوان برای جامعه و قضات و وکلا شده است. یکی از دلایل پر حجم شدن قوانین جزایی این است که هر دستگاه به فکر منافع خودش است. و برای هر عملی که منافع آنان را به خطر می‌اندازد جرم مشخص کرده است. متأسفانه این از نبود یک سیاست جنایی که دارای پایه و اساس محکمی باشد ناشی می‌شود. بدین منظور از مقامات قضایی خواهشمندیم از جرم‌انگاری بیش از حد و تکلیف و محدود کردن زیاد مردم به قوانین خود داری کنند.

ج) مشکلات ناشی از قوانین شکلی از آن جایی که هدف از وضع قانون برقراری نظم و آسایش است مشکلات ناشی از قوانین شکلی با اطلاع‌ی دادرسی ارتباط مستقیم دارند.

۱. مشکلات ناشی از قوانین آیین دادرسی مدنی: اولاً حذف مقررات مفید و موثر سابق در آیین دادرسی مدنی فعلی، ثانیاً وجود رویه‌های ایجادکننده‌ی اطلاع‌ی دادرسی مثل مطالبه‌ی زیاد پرونده‌ها از سوی مراجع نظارتی یا تجدید جلسات دادرسی به بهانه‌های مختلف که هم‌اکنون این یکی از تخلفات مهمی است از طرف دادگاه عالی انتظامی مورد توجه است و خوشبختانه کنترل شده است. ثالثاً تصویب مقررات ناقص و مسبب اطلاع‌ی دادرسی مثل مقررات تجدید نظر خواهی، البته تجدید نظر در مواردی به احقاق حق و اجرای عدالت کمک می‌کند. ولی فاصله‌ای که بین تشکیل دادگاه بدوی و تجدید نظر وجود دارد در بسیاری موارد به سود محکوم علیه تمام می‌شود تا از این فرصت سودجویی کنند. تراکم پرونده‌ها نیز از دیگر آثار وجود دادگاه تجدید نظر

۲. نقش قانون آیین دادرسی کیفری در اطلاع‌ی دادرسی: برای بررسی این موضوع ابتدا باید به تفکیک بین قوانین جزایی ماهوی و شکلی بپردازیم. قوانینی که در زمینه‌ی جرم، تعیین مسئولیت کیفری بزهکار یا انشاء مجازات است قوانین ماهوی هستند و کلیه‌ی قوانینی که برای حسن جریان محاکمات کیفری انشاء می‌شود، جزء قوانین شکلی محسوب می‌شوند. اکثر همین قوانین شکلی موجب اطلاع‌ی دادرسی هستند. از جمله مشکلات مربوط به پرونده‌های نیابتی، یعنی پرونده‌هایی که در شعب نیابت قضایی بررسی می‌شوند، چون این کار باعث صرف وقت، توان و کاهش انگیزه قضات در پرداختن به نیابت قضایی می‌شود. یا قرارهای تأمین کیفری که با هدف دسترسی به متهم در موقع لزوم و اجرای احکام نهایی است، ولی چون عموماً کفیل

ها و وثیقه گذار ها قادر به حاضر نمودن متهم نزد محاکم نیستند، بالاجبار برای این اشخاص پرونده تشکیل می شود که این هم فقط باعث افزایش حجم پرونده ها می شود.

مشکلات ناشی از ساختار قضایی

الف) عدم گسترش و توسعه ی کمی و کیفی امکانات: با وجود وظایف مهم و حساس قوه قضاییه، این قوه دارای ضعف مالی و فاقد امکانات لازم است.

ب) ضعف و نواقص موجود در امر بازرسی: متأسفانه امروز با وجود مراجع متعددی که این امر را بر عهده گرفته اند، این شیوه کارایی لازم را ندارد. چون این نظارتها مستمر نیست و از نظام تشویق در آن خبری نیست که باعث دلسردی قضات موفق و فاضل می شود.

ج) فقدان ضابطین کار آمد: ضابطین دادگستری باید شرایطی داشته باشند از جمله به وسیله ی قانون معرفی شوند، اقدامات آنها در چهارچوب قانون و تحت نظارت مقام قضایی باشد. تا عملکرد مناسب تری داشته باشند.

در سال ۱۳۶۹ وظایف شهربانی، ژاندارمری و پلیس قضایی به نیروی انتظامی محول شد، که به دلایل زیر باعث تشدید اطاله ی دادرسی شد: ۱. عدم دخالت دستگاه قضایی در عزل و نصب ضابطین. ۲. عدم وجود برنامه ی مدون و هدفمند. ۳. عدم آموزش کافی و لازم مامورین انتظامی برای اجرای دستورات قضایی. ۴. وابستگی شدید قوه قضاییه به قوه مجریه به خاطر تصویب بودجه توسط آنها. ۵. ضعف عملکرد دستگاه انتظامی در کشف جرایم.

### مشکلات ناشی از عوامل و نیروی انسانی

#### الف) نقش عملکرد قضات:

تعمیل مراجع گزینش در انتخاب قاضی، داشتن تحصیلات پایین با توجه به تنوع علم حقوق (امروزه دیگر مدرک لیسانس برای قاضی کفایت نمی کند)، ندادن استقلال به قاضی که باعث تزلزل موقعیت او میشود و عدم توجه به وضعیت رفاهی و معیشتی قاضی.

#### ب) نقش عملکرد کارمندان مراجع قضایی :

۱. تاخیر در انجام دستورات

۲. انجام دستورات به نحو اشتباه

۳. ارسال با تاخیر پرونده ها به دوایر اجرای احکام

۴. کوتاهی در تهیه و ارسال پاسخ مکاتبات و پرونده های مطالبه شده.

۵. عدم دقت در ثبت به موقع و دقیق لوایح و دادخواست ها. ۶. کوتاهی در بایگانی اوراق پرونده ها و گم شدن آنها.

#### ج) نقش عملکرد اصحاب دعوی:

۱. عدم همکاری در انجام ابلاغ واقعی از سوی اصحاب دعوی

۲. طرح ایرادات واهی، انکار و ادعای جعل نسبت به اسناد ایزاری.

۳. اعلام آدرس اشتباه به دادگاه

۴. صحنه سازی و پیچیده نمودن دعاوی

۵. عدم استفاده از وکیل.

#### د) نقش عملکرد وکلا و مشاوران حقوقی:

۱. عدم رعایت موازین حقوقی

۲. مجهول‌الزمان اعلام نمودن اصحاب دعوی با وجود داشتن نشانی

۳. تکذیب و کالت نامه

۴. عدم اطلاع به موقع به موکل برای پرداخت هزینه‌های دادرسی

۵. دخالت در اموری خارج از اختیارات وی

۶. مبادرت به ادعای جهل و تعیین جاعل.

راهکارهای مقابله با اطاله‌ی دادرسی

#### راهکارهای کلان

۱. رفع کمبود امکانات: قوه قضاییه، قوه ای است که وظایف بسیار مهم و سنگینی بر عهده دارد و باید امکانات متناسب با وظایف محول شده باشد. امروزه با وجود این که بهبود امکانات سیر صعودی دارد. اما این مشکل آن قدر عمیق است که نتوانسته است این خلا را پر کند. و هنوز بعضی از مراکز استانها فاقد ساختمان اداری مناسب هستند.

۲. تامین نیروی انسانی: در این قوه عموماً کارها توسط نیروی انسانی انجام می‌شود. و کمبود کارکنان موجب تحلیل رفتن توان جسمی و روحی کارکنان دیگری شود. البته بعد از انقلاب شاخص تعداد مراجع قضایی و قاضی و زمان رسیدگی به پرونده‌ها نسبت به جمعیت رشد داشته اما راهکار اصلی مقابله با اطاله‌ی دادرسی در استخدام نیروی انسانی نیست. ۳. حذف قوانینی که موجب اطاله‌ی دادرسی اند: الف) قوانینی که موجب افزایش آمار و پرونده‌های محاکم قضایی می‌شود. مثل وصف کیفری صدور چک بلا محل که باعث شده حدود یک سوم زندانیان را صادر کنندگان چک بلا محل تشکیل بدهند. در حالی این موضوع در بسیاری از کشورها جرم نیست. البته به نظر بنده ی حقیر بلا تکلیف گذاشتن این موضوع موجب توسل مردم به شرخ‌ها می‌شود که خود به نوعی دیگر باعث افزایش جرم در سطح جامعه می‌شود. ب) حذف قوانینی که موجب کندی یا توقف جریان دادرسی است. ج) حذف قوانین دارای ابهام و اجمال که باعث تفاسیر نادرست و سیل فراوان سؤالات به سوی مراجع قضایی می‌شود.

۴. صلاحیت نیروی انسانی: انتخاب افراد با صلاحیت، افرادی که به منافع جامعه و مردم و تحقق عدالت فکر کنند، به دنبال فساد و رشوه خواری نباشند نقش اساسی در روند کار قضایی دارد. گزینش نه تنها در مرحله‌ی ورود بلکه بعد از آن هم باید به صورت نظارت وجود داشته باشد. ولی متأسفانه در مرحله‌ی گزینش بیشتر به تدین و اعتقاد قاضی توجه میشود تا به شمع قضایی او.

۵. بالا بردن سطح آگاهی از طریق آموزش نیروی انسانی و آموزش همگانی: که توجه و تلاش قوه قضاییه در این مورد بسیار اندک و ناچیز است.

۶. ارتقای سطح زندگی قضات و کارکنان: این موضوع باعث افزایش آرامش روانی و تمرکز فکر آنها برای ایفای وظایف خود و داشتن فرصت و تمرکز کافی برای مطالعه و رسیدگی به پرونده‌ها.

۷. استفاده از تکنولوژی: در ثبت و بایگانی و ارسال مراسلات استفاده از تکنولوژی باعث تسریع دادرسی می‌شود.

۸. تشکیل پلیس قضایی: پلیس قضایی باید از پلیس انتظامی تفکیک شود و دستگاه قضایی نیازمند نیروی مسلح و تعلیم یافته

ای است که دستورهای قضایی را به نحو احسن و در کوتاهترین زمان انجام دهد. دکتر بهشتی بعد از انقلاب این نهاد را ایجاد کرد که مدتی بعد از فوت ایشان به علت عدم درک اهمیت این نیرو منحل شد. در زمان ریاست آقای یزدی به علت مخالفت‌های زیادی که با این طرح شد و دخالت‌های خارج از قلمرو ماموران پلیس در کارقضا منحل شد.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی و تعریف اطاله‌ی دادرسی، علل ایجاد آن و راهکارهای مقابله با آن پرداختم. در این بین قوه قضاییه اقداماتی انجام داده است که چشم‌پوشی از آنها به دور از انصاف دانستم. علاوه بر اقدامات عامی که برای کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌ها انجام داده است (همچون احیاء دادسرا و...) دستورالعمل‌هایی را برای رفع کاستی‌های موجود در نظام قضایی سر لوحه‌ی کار خود قرار داده، که به شرح ذیل است.

1. اصلاح روند‌ها، فرم‌ها و رویه‌ها
2. جبران نواقص
3. اصلاح تشکیلات
4. افزایش تعاملات و ارتباطات درون سازمانی و برون سازمانی
5. تمرکزگرایی در امور مرتبط با دادرسی
6. تکریم ارباب رجوع و حفظ حقوق شهروندی در طول مدت دادرسی
7. ایجاد تغییر در نظام تشویقات و تنبیهات در جهت تسریع در روند دادرسی
8. تشکیل اداره‌ی ارشاد و معاضدت قضایی به منظور راهنمایی و ارشاد مراجعین در اقامه‌ی دعوا و پیگیری آن و همچنین بهره‌گیری از وکلای معاضدتی برای مراجعین بی بضاعت.
9. ایجاد مرکز مشاوره‌ی تلفنی در هر حوزه‌ای که تعداد مراجع زیاد باشد.
10. ایجاد کانون کارشناسان رسمی دادگستری به منظور ایجاد هماهنگی با مقامات قضایی و رفع اشکالات موجود.

قوه قضاییه یکی از نهادهای مهم در کشورمان است و نیازمند همکاری جدی قوه مجریه و مقننه برای عملکرد بهتر است. به خاطر حساسیت زیادی که بر کار این قوه است سیر انتقادها به سوی آن روانه می‌شود و کوچکترین کاستی از نگاه نکته‌سنجان دور نمی‌ماند، بدین منظور از مسئولین انتظار می‌رود تا ضعف‌های موجود را به حد اقل برسانند. اصلاح و تغییر در روند قضایی به منظور رسیدن به کمال مطلوب همواره وجود داشته است. و این آرمان یعنی توسعه‌ی قضایی تحقق نمی‌یابد مگر با مساعدت و کلا و قضات فاضل تا با بررسی نظام فعلی و گوش سپردن به انتقادها و پیشنهادهای گام‌های موثری در رفع این مشکل بردارند.

منابع:

- ۱) ابهری، حمید، (۱۳۹۲) آئین دادرسی مدنی ۲، جریان دادرسی از آغاز تا پایان، دانشگاه بابلسر.
- ۲) احمدی، دکتر نعمت، (۱۳۸۱) آیین دادرسی مدنی، انتشارات اطلس.
- ۳) ادیسیان، محمد رضا، (۱۳۸۰) دستور موقت، انتشارات ققنوس.
- ۴) استفانی، گاستون، و لواسور ژرژ و بولوک، برنار، آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۵) امامی، سید حسن، (۱۳۸۹) حقوق مدنی، هرات، انتشارات اسلامیة.
- ۶) امیر قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۵) حقوق تعهدات، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ج ۱.
- ۷) آخوندی، دکتر محمود، (۱۳۸۹) آیین دادرسی کیفری، انتشارات اشراق.
- ۸) آشوری، دکتر محمد، آیین دادرسی کیفری، (۱۳۸۹) سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه ها
- ۹) بهرامی، دکتر بهرام، (۱۳۸۹) آیین دادرسی مدنی عملی و کاربردی، انتشارات بهنامی.
- ۱۰) بهشتی، محمد جواد، مردانی نادر، (۱۳۸۵) آئین دادرسی مدنی، نشر میزان.
- ۱۱) بهشتی، محمد جواد، مردانی نادر، (۱۳۸۵) آئین دادرسی مدنی جلد ۲، تهران، نشر میزان.
- ۱۲) پارسافر، جواد؛ (۱۳۹۱)، تجدید مواعد دادرسی در دعاوی حقوقی، مجله وکیل مدافع.
- ۱۳) پوراستاد، مجید (۱۳۸۹)، اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی، چاپ اول، تهران، نشر شهر دانش
- ۱۴) جلیلود، یحیی، (۱۳۸۵) مسئولیت مدنی، بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، ج ۱.
- ۱۵) چنارستان علیا، سید مسلم و جمادی، علی (۱۳۹۶) مسئولیت و مصونیت قاضی اشتباه قاضی و جبران خسارت در حقوق کیفری ایران، کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی، شیراز
- ۱۶) حسن پورانزایی، محمد (۱۳۹۸) راهکارهای جلوگیری از اطاله عمدی دادرسی در دعاوی حقوقی، کنفرانس ملی حقوق در چشم انداز ۱۴۰۴، رشت
- ۱۷) حسن زاده، حیدر؛ سلطانیان، محمدرضا؛ (۱۳۹۴) مواعد مطالبه، واخواست و اقامه دعوا و آثار عدم رعایت آن ها در برات، سفته و چک با نگاهی تطبیقی به کنوانسیون های ژنو.
- ۱۸) حسن، محسنی (۱۳۹۳) اصول دادرسی و نقش تفسیری آنها و چگونگی تمیز این اصول از تشریفات دادرسی، نشریه کانون وکلا، شماره ۱۹۲ و ۱۹۳
- ۱۹) حکیمی، محمد مهدی، (۱۳۸۸) دعوا، مجله تخصصی داخلی دانشگاه امام صادق، تهران.
- ۲۰) حکیمی، تهرانی، محمد مهدی؛ (۱۳۸۵) بازکاوی جلسه دادرسی و مفاهیم مشابه آن در قوانین، نشریه دانش پژوهان دانشگاه مفید قم، شماره ۱۵.
- ۲۱) دادگر، سیدمحسن و کریمی، قوام (۱۳۹۵)، بررسی اطاله دادرسی در نظام حقوق ایران، کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، شیراز.
- ۲۲) دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران دوره جدید، ج ۵